

دوره دهم تقنیه

جلسه ۴۱

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۲۲۲

قیمت اشتراك } سالیانه : ۷۰ ریال  
داخه : ۱۰۰ ریال  
خارجه : ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۱۴ \*

## فهرست مطالب

- (۱) تصویب صورت مجلس  
 (۲) شور اول لایحه ترتیب تقاعد ارتش شاهنشاهی  
 (۳) تقدیم لایحه اصلاح قسمتی از قوانین جزائی از طرف آقای وزیر هدیه  
 (۴) بقیه شور اول لایحه تقاعد ارتش شاهنشاهی از ماده ۳۶  
 (۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیباری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۱۲ بهمن را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

- [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.  
 [ ۲ - شور اول خبر کمیسیون نظام راجع به تقاعد ارتش شاهنشاهی ]  
 رئیس - شور اول خبر کمیسیون نظام راجع به تقاعد ارتش شاهنشاهی. مقدمه خبر قرائت میشود:  
 خبر کمیسیون نظام لایحه نمره ۸۶۶۷ دولت راجع بترتیب  
 تقاعد ارتش شاهنشاهی را در دو جلسه با حضور آقای رئیس الوزراء تحت شور و مذاقه قرار داده و بالاخره مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آن برای شور اول تقدیم می شود:  
 رئیس مذاکره در کلیات است. مخالفی نیست. رأی گرفته میشود. ورود در شور مواد آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند  
 (اکثر بر خاستند)  
 رئیس تصویب شد. ماده اول قرائت می شود:

\* عین مذاکرات مشروح چهل و یکمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره نند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: منصف - اسکندری - هدایت - دکتر احتشام - ملک مدنی - دکتر قول ابلیخ - زوار

غائبین بی اجازه - آقایان: فروزینی - جراحی - میرزائی

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: نیک پور - وکیلی - اعظم زنگنه - لقیوانی - بیات - دکتر جوان - پناهی -

فصل یکم

حقوق تقاعد برای مدت خدمت

ماده ۱ - افسران نیروی بری و دریائی و هوائی و اداری و امنیه و مستخدمین غیر نظامی همدریف و همچنین استواران و گروهیانها و همدریفان آنها میتوانند پس از اقلاً بیست سال خدمت متقاعد شده و حقوق تقاعد دریافت دارند.

رئیس - ماده دوم :

ماده ۲ - چنانچه سن افسران و مستخدمین مصرحه در ماده یکم بعد از بیست سال خدمت بحد اکثر سنی که در قانون ترفیعات برای درجات مختلفه تعیین گردیده نرسیده باشد شخصاً حق تقاضای تقاعد ندارند ولی وزارت جنگ میتواند هر موقع مقتضی بداند آنها را در ردیف متقاعدین منظور دارد.

رئیس - ماده سوم :

ماده ۳ - در صورتیکه تاریخ شروع خدمت نظامی مستخدمین ارتش قبل از سن نوزده سالگی باشد تاریخ احتساب حقوق تقاعد آنها فقط از روزی خواهد بود که وارد سن نوزده سالگی شده باشند.

رئیس - ماده چهارم :

ماده ۴ - مدت تحصیلات نظامی افسران از زمان دخول بآموزشگاه افسری (داخله یا خارجه) با رعایت مفاد ماده (۳) جزء مدت خدمت محسوب میشود.

رئیس - ماده پنجم :

ماده ۵ - مدتی که افسران و همدریفان در ردیف منتظرین خدمت بوده اند به نسبت حقوق انتظار خدمتی که دریافت میدارند کسور تقاعد پرداخته و مدت انتظار خدمت آنها نیز فقط از حیث تقاعد در جزء مدت خدمت نصف محسوب میگردد.

رئیس - ماده ششم :

ماده ۶ - خدمت در ادارات کشوری اعم از افسران و همدریفان چه برای مدتی که قبل از دخول بارتش خدمت نموده اند و چه بعداً باادارات کشوری و هر نوع مؤسسات

مأمور شده باشند جزو مدت خدمت حساب میشود تبصره - تاریخ شروع بخدمت در ادارات کشوری و خاتمه آن باید متکی بقصدیق رسمی پرسنل یا احکام رسمی نمره دار یا قوانین و احکام وزارت خانه متبوعه باشد که در موقع خود رسمیت داشته و احتساب آن مدت ضمن سابقه خدمت افسران و هم ردیفان مشروط بر این خواهد بود که کسور تقاعد پرداختی بصندوق تقاعد وزارتخانه مربوطه نقداً بصندوق تقاعد ارتش تحویل گردد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - البته این قانون که سرایش مساعدت بارتش و خدمتگذاران مملکت است خیلی بموقع است که آورده اند و در حقیقت قدر دانی از خدمات اشخاصیست که عمر خود را برای حفظ وطن و برای خدمتگذاری به مملکت صرف میکنند و بسیار قانون مفیدی است فقط عرض بنده در اینماده و این تبصره راجع بایتموضوع بود که نوشته اند اگر در ادارات کشوری خدمت بکنند مدت خدمت در صورتی جزء سابقه محسوب میشود که کسور تقاعد را منتقل کنند بصندوق تقاعد ارتش چون آن شرط در دست آن مستخدم نیست بنظر بنده این کلمه مشروط را مقتضی نیست بنویسند اینکار دست خود دولت است که از صندوق تقاعد کشوری این حقوق را بفرستند به صندوق ارتش این است که بنده پیشنهاد میکنم برای شور دوم مشروط را بردارند و خود دولت از صندوق تقاعد کشوری بفرستند بصندوق تقاعد ارتش

رئیس الوزراء - تصور میکنم ذکرش اینجا لازم بوده

برای اینکه موضوع تقاعد کشوری يك قانونی دارد و يك وجوهی که آنجا هست بيك کیفیت ترتیبش در آن قانون معین است و از صندوق تقاعد نمیشود برداشت و بيك قسمت دیگری گذاشت مگر اینکه قانون بدولت اجازه بدهد حالا این قسمت که میفرمائید اصلاح عبارتی است و ممکن است در شور دوم این منظور را در کمیسیون تأمین کنند

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود

ماده ۷ - منتقلین از وزارتخانه های کشوری بارتش و همچنین از ارتش بوزارتخانه های کشوری نظر به اینکه در وزارتخانه اخیر متقاعد خواهند شد کسور تقاعد آنها باید بصندوق وزارتخانه که در آنجا متقاعد خواهند شد انتقال داده شود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده این است که يك توضیحی بفرمایند که منتقلین از ارتش بوزارتخانه های کشوری اینها وقتی موقع تقاعدشان میرسد برطبق این قانون متقاعد خواهند شد یا مطابق قانون تقاعد کشوری اگر مطابق این قانون متقاعد میشوند آنوقت صورت استخدام کشوریشان بهم میخورد چون این قانون ترتیب تقاعدش يك تفاوتی با قانون تقاعد کشوری دارد این را خوب است يك توضیحی بفرمایند

رئیس الوزراء - بدیهی است بکنفر افسری که بخدمات کشوری انتقال پیدا میکند تابع قانون کشوری میشود مطابق قانون کشوری متقاعد میشود این قانون در حق او مؤثر نخواهد بود

رئیس - آقای دیبا

دیبا - در ماده ششم و تبصره اش عبارت اینطور بود که وزارتخانه ها و ادارات کشوری ولی اینجا منتقلین از ارتش بوزارتخانه های کشوری نوشته شده بنده عقیده ام این است اینجا هم ادارات کشوری نوشته شود بهتر است یعنی شامل وزارتخانه ها و ادارات مستقل مثل اداره تجارت و اداره فلاحت و اداره صناعت که این سه اداره مستقلند بشود و اشخاصی هم که با آنجا منتقل میشوند همین حکم را داشته باشد چنانچه در ماده ۶ و همچنین در تبصره آن نوشته شده ادارات کشوری

رئیس الوزراء - مانعی ندارد همینطور که میفرمائید نوشته شود

یکی از نمایندگان - پیشنهاد بدهید در شور دوم اصلاح بشود

رئیس - ماده ۸

ماده ۸ - ایام ذیل جزء مدت خدمت محسوب نمیکردد الف - خدمتی که در تقاعد بسر برده شده است و از حقوق تقاعد استفاده شده و مشغول خدمت نبوده است

ب - ایامی که بموجب رأی محکمه در حبس بسر برده شده است

ج - ایام مرخصی که قانوناً مستلزم عدم استیفای حقوق است

د - مدتی را که بواسطه علل قانونی حقوق نگرفته و کسور تقاعد هم نداده است

رئیس - ماده ۹

ماده ۹ - میزان حقوق تقاعد افسران و همدریفان درجه داران (استواران و گروهیانان) که مدت خدمت مذکور در ماده يك این قانون را طی نموده اند بقرار ذیل مقرر میشود

۱ - طبقه امراء  $\frac{1}{8}$  حد متوسط حقوق تمام رتبه که در سه سال اخیر دریافت داشته اند ضرب در سنوات خدمت

۲ - طبقه افسران ارشد  $\frac{1}{10}$  حد متوسط حقوق تمام رتبه که در سه سال اخیر دریافت داشته اند ضرب در سنوات خدمت

افسران جزء  $\frac{1}{12}$  حد متوسط حقوق تمام رتبه که در سه سال اخیر دریافت داشته اند ضرب در سنوات خدمت

۴ - استواران و گروهیانان  $\frac{1}{15}$  حد متوسط حقوق تمام رتبه که در سه سال اخیر دریافت داشته اند ضرب در سنوات خدمت

رئیس - ماده ۱۰

فصل دوم - وظیفه تقاعدی با وظیفه موقتی مجروحین و معلولین

ماده ۱۰ - افسران و استواران و گروهانان و سر جوخه ها و نفرات قدیمی ارتش و امنیت و نیروی دریائی و هوا پیمائی و همدربان آنها بترتیب ذیل حق دریافت وظیفه تقاعدی یا وظیفه موقتی دارند :

اولاً - کسانی که در جنگ یا در نتیجه خدمت مجروح شده باشند.

ثانیاً - کسانی که در نتیجه مخاطرات جنگی یا صدمات و حوادث وارده در نتیجه خدمت معلول و موقتاً قادر بانجام وظیفه نباشند یا علت مزاجی آنها در تحت تأثیر همان عوامل شدت پیدا کرده باشد .

ثالثاً - ایام معالجه مجروحین یا معلولین فوق مدت شش ماه از روز بر داشتن زخم یا وقوع علت جزء خدمت محسوب و همان حقوق درجه خود را از بودجه ارتش دریافت خواهند نمود .

رئیس - ماده ۱۱ .

ماده ۱۱ - اشخاصی که بآنها وظیفه تقاعدی علاقه میکیرد عبارت هستند از :

طبقه یکم - اشخاصی که جراحات و علل مزاجی آنها در نتیجه تصادمات جنگی باعث تا بینائی یا قطع یا فلج شدن يك یا چند عضو گردد .

طبقه دوم - اشخاصی که در نتیجه تصادمات جنگی يك عضو آنها قطع یا فلج گردد .

طبقه سوم - اشخاصی که جراحات یا علل مزاجی آنها در نتیجه تصادمات جنگی بموجب تصدیق شورای طی نظامی قوه کار را بطور کلی از آنها سلب نماید و مطلقاً قادر بر تحصیل و تأمین معاش خود نباشد .

طبقه چهارم - اشخاصی که جراحات و علل مزاجی آنها در نتیجه غیر از موارد جنگی و در اثر حوادث غیر مترقبه در حین یا در اثر خدمت حاصل شده و بموجب تصدیق شورای طی نظامی بکلی قوه کار را از آنها سلب و قادر بر تحصیل و تأمین معاش خود نباشند .

رئیس - آقای روحی .

روحی - عرض کنم می خواستم خاطر آقای رئیس الوزراء را متذکر کنم در این قسمت طبقه دوم که مینویسد اشخاصی که در نتیجه تصادمات جنگی يك عضو آنها قطع یا فلج گردد . بنظر بنده این کلمه فلج کلی است بعقیده بنده اگر این کلمه را بر دارند و بنویسند که از کار باز بماند یعنی نتواند کار نماید بهتر است و تصور میکنم بحال آنها مؤثر است و عبارت هم روان تر است . نوشته شود اشخاصی که در نتیجه تصادمات جنگی يك عضو آنها قطع یا از کار باز بماند .

رئیس الوزراء - از کار باز بماند که مبهم است معلوم نیست که فرضش چطور خواهد بود . مقصود این است عضوی از او قطع یا فلج شود بطوری که بیفتد و قابل استعمال نباشد .

رئیس - ماده ۱۲ .

ماده ۱۲ - چنانچه جراحات جنگی و غیر جنگی و همچنین علل مزاجی غیر از موارد جنگی که در اثر حوادث غیر مترقبه در حین یا در اثر خدمت حاصل شده و مطابق تصدیق شورای طی نظامی قابل علاج تشخیص داده شود در حق مجروحین و معلولین مزبور با رعایت تبصره ماده ۱۰ وظیفه موقتی بر قرار خواهد گردید .

رئیس - ماده ۱۳ .

ماده ۱۳ - وظیفه تقاعدی مجروحین و معلولین طبقه اول مندرجه در ماده ( ۱۱ ) مساوی است با چهارخمس تمام حقوق درجه بدون رعایت مدت خدمت .

رئیس - ماده ۱۴ .

ماده ۱۴ - وظیفه تقاعدی مجروحین و معلولین طبقه دوم مندرجه در ماده ( ۱۱ ) مساوی است با دوثلث تمام حقوق درجه مربوطه بدون رعایت مدت خدمت .

رئیس - ماده ۱۵ .

ماده ۱۵ - وظیفه تقاعدی مجروحین و معلولین طبقه سوم مندرجه در ماده ( ۱۱ ) مساوی است با نصف تمام حقوق درجه مربوطه بدون رعایت مدت خدمت .

رئیس - ماده ۱۶ .

ماده ۱۶ - اگر مجروحین و معلولین طبقه چهارم مندرجه در ماده ( ۱۱ ) بعد تقاعد نرسیده یعنی بیست سال خدمت نداشته باشند در صورتیکه سابقه خدمت آنها از ده سال تجاوز نماید دو ثلث حقوق تقاعدی که در خاتمه بیست سال خدمت بآنان تعلق میگردند بعنوان وظیفه تقاعدی در باره آنها برقرار خواهد گردید و چنانچه سابقه خدمت آنان کمتر از ده سال باشد دو ثلث کلیه کسور تقاعدی که تا آن تاریخ پرداخته اند تقدماً و دفعتاً بآنان مسترد خواهد شد .

رئیس - ماده ۱۷ .

ماده ۱۷ - وظیفه موقتی که به مجروحین و معلولین مندرجه در ماده ( ۱۲ ) علاقه میگیرد با رعایت تبصره ماده ( ۱۰ ) مساوی است با دوثلث تمام حقوق درجه مربوطه بدون رعایت مدت خدمت .

رئیس - ماده ۱۸ .

ماده ۱۸ - وظیفه موقتی حداکثر برای مدت دو سال داده میشود و چنانچه معلول یا مجروح در مدت دو سال سلامتی حاصل ننمود و بخدمت رسمی خود معاودت ننماید و در خاتمه دو سال در نتیجه معاینه و امتحانات طی مرض یا جراحات وارده رفع نشده باشد همان مبلغ وظیفه موقتی بوظیفه تقاعدی مبدل خواهد شد .

رئیس - ماده ۱۹ .

ماده ۱۹ - سرباز ها و سرجوخه های وظیفه که در جنگ یا در حین خدمت طوری معلول و مجروح شده باشند که قادر بر تحصیل و تأمین معاش خود نباشند ماهیانه مبلغ ( ۴۵ ) ریال بعنوان وظیفه تقاعدی دریافت خواهند نمود .

تبصره - وضعیت مزاجی این قبیل نفرات وظیفه را شورای طی نظامی تشخیص خواهد داد .

رئیس - ماده ۲۰ .

فصل سوم - مستمری

ماده ۲۰ - مستمری عبارت از شهریه ایست که در

حق وراثت اشخاص مفصله ذیل برقرار و ماهیانه پرداخت میشود :

الف - افسران و افراد و همدربان آنها که در میدان جنگ یا در حین انجام خدمت مقتول شده اند .

ب - افسران و افراد و همدربان آنها که در نتیجه حوادث و صدمات جنگ یا امراض ساریه ( از قبیل طاعون - وبا و امثال آن ) یا امراض محلی تلف شده و بواسطه قیودات خدمت تحت تأثیر آن ها واقع بوده اند .

ج - افسران و افراد و همدربان آنها که در میدان جنگ یا حین انجام خدمت در نتیجه جراحات وارده وفات یافته اند .

د - افسران و افراد و همدربان آنها که در حین استفاده از حقوق تقاعد اکمال خدمت با وظیفه تقاعدی یا با داشتن حق تقاعد ( نظر بسوابق خدمتشان ) فوت نموده اند .

رئیس ماده ۲۱ .

ماده ۲۱ - وراثتی که حق دریافت مستمری دارند بقرار ذیل میباشد .

الف - عیال تا زمانی که شوهر جدید اختیار ننموده است .

ب - اولاد ذکور مادامی که بسن بیست سال تمام نرسیده باشد .

ج - اولاد اناث تا موقعی که شوهر اختیار نکرده اند .

د - پدر و مادری که در کفالت متوفی یا مقتول بوده اند .

ه - برادر علیل یا کوچکی که در کفالت متوفی یا مقتول بوده در صورت اخیر مادامی که بسن بیست سال تمام نرسیده باشند .

و - خواهری که در کفالت مقتول یا متوفی بوده تا موقعی که شوهر اختیار نکرده است .

تبصره - وراثت و کفالت باید بوسیله مقامات قانونی و صلاحیت دار رسماً تصدیق شده باشد.

رئیس - ماده ۲۲

ماده ۲۲ - مستمری مقرر در حق وراثت فوق بطور تساوی بین آنان تقسیم خواهد گردید.

رئیس - ماده ۲۳

ماده ۲۳ - نصف سهم مستمری هر يك از وراثت ذكوری که بسن معینه در بند (ب) و (ه) ماده (۲۱) برسند یا وراثت انانی که شوهر اختیار نمایند یا هر يك از وراثت مذکور فوق که در حین استفاده از مستمری فوت کنند بالسویه بین سایر وراثت تقسیم میشود.

تبصره - وراثت ذكوری که در اثر ناپیدائی و فلج و قطع شدن دست یا پا و جنون و امراض مزمنه و غیره قابل علاج قادر بکسب معاش نباشند مادام الحیات باخذ مستمری خود ذبحق خواهند بود.

رئیس - ماده ۲۴

ماده ۲۴ - میزان مستمری که بورثه اشخاص مذکور در بند (الف) و (ب) و (ج) ماده (۲۰) تعلق میگیرد مساوی است بانصف تمام حقوق درجه متوفیان یا مقتولین

رئیس - ماده ۲۵

ماده ۲۵ - میزان مستمری که بورثه اشخاص مذکور در بند (د) ماده (۲۰) تعلق میگیرد مساوی است بانصف حقوق تقاعد یا وظیفه تقاعدی که شخص متوفی در یافت میداشته یا برطبق مقررات فصل یکم و دوم استحقاق در یافت آنرا داشته است.

رئیس - ماده ۲۶

ماده ۲۶ - حق اخذ مستمری برای وراثت مذکور از تاریخ روز بعد از فوت یا قتل شخص متوفی یا مقتول خواهد بود.

رئیس - ماده ۲۷

ماده ۲۷ - چنانچه اشخاص مذکور در مواد (۱۷) و (۱۸) در حین استفاده از وظیفه موقتی فوت نمایند بورات ذوی الحقوق آنها مستمری معادل دوثلث از وظیفه موقتی که دریافت میداشته است تعلق خواهد گرفت

رئیس - ماده ۲۸

ماده ۲۸ - بورات ذوی الحقوق اشخاصی که در مدت خدمت بعامل غیر مربوطه بخدمت فوت نمایند و مقررات فصل یکم و دوم شامل حال آنها نباشد در صورتیکه مدت خدمت آنها پنجسال یا کمتر باشد مستمری و وجهی بورات علاقه نخواهد گرفت و علاوه بر پنج سال تا ده سال يك ثلث کسور تقاعد اضافه بر پنجسال و چنانچه از ده سال بیشتر سابقه خدمت داشته باشند نصف کسور تقاعد از پنجسال به بعد که بصندوق تقاعد پرداخته اند دفعتاً و بالسویه پرداخته خواهد شد.

رئیس - ماده ۲۹

فصل چهارم - مقررات عمومی

ماده ۲۹ - تاریخ برقراری حقوق تقاعد - وظیفه تقاعدی یا موقتی - مستمری و هر گونه پرداخت و جهی از صندوق تقاعد آرتش با اسامی ذوی الحقوق و سن و مدت و ماده قانونی که مشمول آن می شوند در حکم عمومی آرتش درج می گردد.

رئیس - ماده ۳۰

ماده ۳۰ - اشخاص ذیل از حق در یافت حقوق تقاعد محروم خواهند بود.

الف - اشخاصی که پس از محاکمه در محکمه نظامی باخراج یا بانفصال دائمی از خدمت آرتش - نیروی دریائی هوا پیمائی یا امنیه محکوم شوند.

ب - کسانی که ترك تبعیت ایران نمایند.

تبصره - کسانی که پس از اخراج مجدداً بخدمت پذیرفته شوند مدت انفصال جزء خدمت محسوب نخواهد شد.

رئیس - ماده ۳۱

ماده ۳۱ - بجز موارد استثنای دیون اداری و محکومیت

از حقوق اجتماعی توقیف حقوق تقاعد یا وظیفه تقاعدی در قبالت محکومیت حقوقی یا دیون دیگر اکیداً ممنوع است.

تبصره ۱ - در صورتی که صاحبان حقوق یا وظیفه تقاعدی یا وظیفه موقتی دینی بصندوق مربوطه داشته باشند و از عهده پرداخت آن دفعتاً واحده بر نیایند و دارائی و عایداتی غیر از حقوق تقاعد نداشته باشند تا حدود يك ربع حقوق مقرری آنها در مقابل دین مزبور محسوب و مستهلك خواهد گردید.

تبصره ۲ - در مورد محکومیت از حقوق اجتماعی با عائله ذوی الحقوق چنانچه فقیر و تامین معاش نداشته باشند مانند وراثت متوفیات معامله خواهد گردید.

رئیس - ماده ۳۲

ماده ۳۲ - هرگاه شخصی بدو یا چند علت حق در یافت حقوق تقاعد یا وظیفه تقاعدی داشته باشد (مثلاً قدمت خدمت و علت مزاج) میزان حقوقی که بیشتر خواهد بود به او تعلق میگیرد.

رئیس - ماده ۳۳

ماده ۳۳ - هرگاه شخصی که دارای حقوق تقاعد یا وظیفه است مفقود الاثر بشود و مدت يك سال حقوق تقاعد یا وظیفه خود را مطالبه نماید وراثت ذوی الحقوق او چنانچه مطابق این قانون مستمری با آنها تعلق گیرد حق دارند موقتاً مستمری قانونی خود را تقاضا نمایند چنانچه بعد ها معلوم شود شخصی مفقود الاثر فوت نموده مستمری موقتی از تاریخ فوت بطور دائم برقرار میشود و در صورتیکه معلوم شود در حال حیات میباشد وضعیت حقوقی او بحال اولیه اعاده میگردد.

رئیس - ماده ۳۴

ماده ۳۴ - مستمری اشخاصیکه یکسال مفقود الاثر شده و مطالبه مستمری خود را ننموده باشند ضبط خواهد گردید و در صورتیکه معلوم شود در حال حیات میباشد و قانوناً بدر یافت آن ذبحق باشند و ضمیات حقوق آنها بحال اولیه اعاده میگردد.

رئیس - ماده ۳۵

ماده ۳۵ - بافسران و افراد و همردیفان آنها که دارای حقوق تقاعد هستند چنانچه مجدداً از طرف آرتش - نیروی دریائی - هوا پیمائی یا امنیه خدمت جدیدی محول گردد در تمام مدت تصدی از حقوق مربوطه بآن استفاده مینمایند و از در یافت حقوق تقاعد محروم خواهند بود ولی مدت خدمت جدید این اشخاص نیز اضافه بر سابقین خدمت منظور و موجب تجدید نظر در تقاعد آنان خواهد بود.

تبصره - تاریخ اشتغال بخدمت جدید و همچنین تاریخ خاتمه آن باید در حکم عمومی آرتش درج گردد.

[۳] - تقدیم لایحه اصلاح قسمتی از قوانین جزائی از طرف آقای وزیر عدلیه]

رئیس - آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - لایحه است تقدیم میکنم راجع است باصلاحاتی که در قانون جزای عمومی شده است و از مدتی باین طرف تحت مطالعه و زارت عدلیه بوده و خیلی هم محتاج باصلاحات بود. البته برای این اصلاحات اخیریکه موجباتی بوده که برای تغییر هر قانونی این موجبات خواهد بود. و بنده آن موجبات را که در واقع بمنزله مقدمه قانون است بطور مختصری نوشته ام اگر چه انشاء بنده خوب نیست لیکن مقتضی میدانم خواننده شود. و لایحه را تقدیم می کنم.

(البته خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است که امور مضرة بااخلاق و ناموس اجتماع که از آنها تعبیر به نقصیات و جرائم میشود چه از حیث مقدار و خصوصیات اصل عمل ممنوع یا ترك عمل لازم و چه از حیث عمد و خطا و درجات آنها و چه از جهت کیفیاتی که مقرون بعمل یا مقرون بآن است از قبیل تهیه و توطئه قبلی برای ارتکاب یا بدون آن و وحدت مجرم یا تعدد مجرمین و از قبیل آنان و مکان وقوع جرم و چه از جهت اهمیت اضرار جرم بجامعه یا بشخص و تضمن يك عمل به چند جرم باعدم آن و هم چنین کیفیات مربوطه به مجرم از جهت سوء سرپرست و شدت قساوت و بیابایت هائی که ناشی از ذایل اخلاق مثل حسد و طمع بمال باعراض

و ناموس دیگران میشود و باعث هائی که ناشی از قوای قهریه طبیعت است مثل غضب و غیرت برای حفظ نفس باعرض یا مال و نیز کیفیات راجحه به مجنی علیه و خصوصیات و کیفیات دیگر بی نهایت متفاوت و مختلف است و تفاوت های مذکوره در انظار علماء حقوق جزائی موجب تفاوت هائی در تعذیر و تحدید مجازات مجرمین است بعدی که مقننین بعضی از کیفیات جرمی اجزاء عناصر تشکیل دهنده جرم قرار داده و برای آن مجازات علیحده معین کرده اند مثل جرم سرقت که در قانون فعلی ایران و قوانین سایر کشور ها پاره از اقسام آن را جرم مستقل قرار داده و مجازات مخصوصی برای آن حتی اعدام مقرر داشته و بعضی دیگر از کیفیات را فقط سبب تشدید مجازات قرار داده اند که از همین نظر در تمام قوانین برای مجازات يك نوع بطور کلی حد اقل و اکثر قرار داده شده برای اینکه قاضی با رعایت خصوصیات و کیفیات مشدده یا مخففه از بین حد اقل و اکثر میزانی برای مجازات مجرم معین کند جز در موارد جرائم خیلی مهمی که مجازات آنها نوعاً حبس دائم یا اعدام است و حد اقل و اکثری برای آن فرض نمی شود و بقول معروف بالاتر از سیاهی رنگی نیست. همینطور اختلاف انظاری که در جرائم از نقطه نظر تراحم حقوق خصوصی با حقوق عمومی است که در بعضی از آنها حقوق عمومی دارای اهمیت است که مقننین تعقیب و عدم تعقیب متضرر از جرم را بهیچ وجه مداخلت نداده حق گذشت و استرداد شکایت را موجب تخفیف مجازات هم قرار نداده اند و در بعضی از آن ها گذشت مدعی خصوصی را تا حدی سبب تخفیف مقرر داشته و در بعضی که حقوق خصوصی را مهم دانسته اند تعقیب و عدم تعقیب مجرم را با اختیار مدعی خصوصی و اگذار کرده اند و حتی گذشت او را موجب قطع تعقیب مجرم قرار داده که تفکیک این دو نوع حق و ترجیح یکی بر دیگر تأثیر مهمی در طرز تعقیب مجرم دارد و نیز نظر هائیکه معطوف باصلاح حال مجرمین در ضمن اجرای مجازات است که همه این وسائل همیشه مورد تجدید

نظر در قوانین مجازات بوده و میتوان گفت یکی از مهمترین موجبات تکاملی ناموس اجتماع که سایر تقریبات ملت مربوط بآن بلکه در تحت تأثیر مستقیم آن واقع است تکمیل قوانین جزائی و حسن رویه در استعمال آن است بنا بر مقدمه فوق و نظر باینکه قوانین جزائی ایران مانند قوانین بعضی دیگر از کشورها ناقص و محتاج باصلاحات زیاد بود اینک که سایر اصلاحات مهمه کشور در تحت توجهات عالیه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با سرعتی کامل پیشرفت دارد و اوامر مخصوص در اصلاح و تکمیل قوانین شرف صدور یافته بود وزارت عدلیه با مطالعه کامل در قوانین جزائی سایر کشورها زمینه از جدیدترین قوانین که نتیجه افکار عده بسیاری از دانشمندان درجه اول حقوق جزائی در مدت متجاوز از سی سال بوده در نظر گرفته و قوانین جزائی را با تطبیق باصولی که از زمینه مذکور مطمح نظر قرار داده تدوین و اینک قسمت کلیات آن را که مشتمل بر دو بست و پنجاه و دو ماده است برای تصویب پیشنهاد مینماید و برای مزید توضیح مزایا و خصوصیات که این قانون مشتمل بر آن است بطور اختصار ذکر میکند.

۱ - بموجب قسمت اول از این مقدمه که بطور اجمال اشاره بخصوصیات و کیفیات های مختلفه که نسبت بنوع واحد از جرم مقصود است گردید در قانون فعلی مثل اکثر قوانین سایر کشورها در بسیاری از موارد تعیین درجه مجازات را از بین حد اقل و اکثر بنظر قاضی و اگذار کرده و چون فهم و وجدان قضات در تطبیق با خصوصیات و اقتضای آنها نسبت به تشدید یا تخفیف جرم و تعیین مجازات مختلف و تفاوت است بالضرورة در يك نوع جرم احکام خیلی مختلف از حیث میزان مجازات از محاکم صادر میشود و چون این قانون سعی کرده است که کیفیات مختلفه را که موجب شدت یا خفت مجازات میشود حق الامکان در تحت ضابطه و قاعده قرار دهد بنا بر لزوم مراعات قواعد مذکوره اختلاف احکام کمتر و وجدان قضات در تطبیق به یکدیگر نزدیک میشود.

مثلاً ملاحظه فرمائید يك سرقتی واقع شده است نسبت بيك موضوعی در شب متعدد و با سلاح هم بوده با نسبت خادم و مخدومی بوده است تمام این ها کیفیات مشدده است حالا در قانون همینقدر ذکر میشود که مجازات چنین مجرمی از دو تا ده سال است در این فاصله هر چه را قاضی اختیار کرد هیچکس حق ایراد ندارد حتی در دیوانعالی تمیز هم محط نظر واقع نمیشود زیرا قضیه تحت نظر قاضی است از روی چه؟ از روی استنباط و خصوصیات که استنباط میشود و تحت هیچ ضابطه و قاعده نمیآید مثلاً يك شاگرد حامی شب رفته بود با يك نفر دیگر قفل در حمام را شکسته و اتفاقاً يك کارد هم همراه داشت رفته بود يك لنگ دزدیده بود و او برده بود و دوریال فروخته بود و از آن دم پخت هائی (که انشاء الله دیگر آن روزگار را نبینیم) خریده و سد جوع کرده بود اینجای بایست از دو سال که حد اقل است تا ده سال حبس شود. حد اقلش دو سال حبس بود بهجت اینکه دزدی خادم از مخدوم بود. شب بود. و اسلحه هم داشت و متعدد هم بودند. این ها بسته بنظر قاضی است چه بسا مخففاتی که اقتضا می کند از آن درجه هم پائین تر میآید زیرا مشکل است که ضابطه و قاعده برای اوضاع و احوال مختلف قرار داد. زیرا اولاً فهم و استنباط قضاة مختلف است البته رقت (بمساوت تعبیر نمی کنم) ولی حدت نظر در مجازات هم خیلی مختلف است بعضی ها نظر ارفاق نسبت بمجرم بیشتر دارند و بعضی دیگر نظر ارفاقشان بنظم جامعه زیاد تر است. این است که اراده مختلف بیرون میآید حالا ما سعی کرده ایم که در این قانون تا حدی که ممکن است نظر قاضی محدود باشد این است که در همان جاهائی هم که مناسبت دارد با خصوصیات و کیفیات مخصوصی تعیین مجازات کنند حد هائی قرار داده اند که از آن حد قاضی نمیتواند تجاوز کند آنجا هائی که واقعاً باید تخفیف بدهد کاملاً اجازه داده یعنی مکلف است آنجا هائی که نباید اجازه بدهد نباید تشدید کند حدود تشدید و تخفیف را هم معین

کرده است این از نکات برجسته این قانون است.  
۲ - بواسطه شرح و بسطی که در کلیات این قانون راجع بانواع کیفیات مختلفه جرائم و احکام آنها داده شده نظر قضات بحقایق افکار علماء حقوق جزائی که منشاء و مبنای قانون است آشنا و در تفسیر قانون کمتر دچار اشتباه میشوند. این یکی از تفسیر های قانون است که قضات میتوانند نظر کنند و همان نظریاتی که علمای حقوق جزائی دارند که منشاء و مبنای قانون جزائی است. و چون این کلیات جنبه علمیت دارد نظر قضات بآن آشنا میشود مقصود این است که این کتاب و دستور العمل خالص نیست يك مباحث علمی هم دخالت در ضمن کلیات دارد.

۳ - طرز اجرای مجازات در این قانون گذشته از حفظ مصالح جامعه و جلوگیری از وقوع جرائم و ارتداع عمومی که منظور اصلی از اجراء مجازات است متکفل اصلاح حال مجرمین نیز میباشد و فی الحقیقه زندان برای مجرمین برطبق این قانون يك دبستان تربیت و تهذیب اخلاق محسوب میشود و اساس این مصلحت مهم بر آن است که بطور کلی مجازات های معین در این قانون شدید و مدت هائی که برای حبس مقرر شده زیاد است ولی با قید اینکه هر گاه از مجرم تا مدتی از حبس که در قانون معین گردیده آثار ارتداع و ندامت ظاهر شود و رفتار او در زندان طوری باشد که تغییر اخلاق او را نشان دهد از بقیه مدت حبس تا چندی تحت مقررات تأمینی قرار گرفته یعنی نیمه آزاد میشود و اگر در آن مدت معلوم گردید که مجرم از خیال جرم منصرف و اخلاق او اصلاح شده است از بقیه مدت حبس معاف خواهد شد و بالعکس اگر در مدتی که تحت مقررات تأمین قرار گرفته جرمی از او بظهور رسد علاوه بر مجازات جرم جدید بقیه مجازات سابق نیز در باره او اجراء میشود این در واقع يك بیم و امید است برای او که در واقع اخلاق او هم اصلاح شود و البته وسایل اصلاح

اخلاق و تفیش در حالات بومیه زندانی بوسایلی که در قانون پیش بینی شده است مجری خواهد گردید. طرز خاصی است.

۴ - از خصایص این قانون تقسیم مجرمین است به مجرمین بالطبیعه که طبیعت و سریرت آنها محرك جرم است که این قبیل مجرمین خطرناک بجامعه تشخیص شده و هیچگونه تخفیفی در باره آنها منظور نیست و مجرمین بالغه که این دسته نیز خطرناک بجامعه محسوب هستند ولی امید بازگشت و ارتداع در باره آنها هست و ممکن است در موردی از تخفیفات منظوره برخوردار شوند. قسمت سوم مجرمین بالاتفاق که در نتیجه داعی و باعث مخصوصی مرتکب جرم میشوند که بیشتر وسائل اصلاح اخلاق و تربیت در زندان معطوف باین دسته است و رویهمرفته صدور جرم از هر مجرمی و باید گفت اصلاً صدور فعلی از هر فاعلی در نتیجه نیت و داعیه او است دواعی مختلف است يك وقت داعی و محرك صرف شقاوت و سوء سریرت است حتی علی اصغر که چندین قتل کرده بود و بمجازات رسید اخبارش منتشر شد و مسموع شد اینها را میکوبند مجرم بالطبیعه و اینها برای جامعه بشری مثل يك حیوان درنده و سبمی هستند که هیچگونه استفاده از آنها نیست و باید آنها را محو کرد بیرون کرد دسته دیگر هستند که در نتیجه لایابالی گری کم کم عادت کرده اند و جرم پیش آنها سهل شده است آنها را ممکن است بیک وسائلی اصلاح کرد بعضی مجرمین دیگر هستند که در نتیجه احداث حالتی که در آنها است مثل کرسنه که محتاج میشود به يك دزدی یا غضب که در آن موقع کسی را میزند اینها را مجرمین بالاتفاق میکوبند اینها را این قانون سعی کرده است وسائلی تهیه کند که اصلاح شوند یعنی حقیقه مقصود انتقام از اینها نیست مجازات از باب انتقام نیست از باب این میکنند که هم دیگران اصلاح شوند و هم اینها بوسائلی اصلاح بشوند.

۵ - نظر باینکه سیاست دول در امور مربوطه بحفظ

حقوق و مصالح دولت چه از جهت حیثیات خارجی و داخلی و چه از جهت حقوق و منافع مالی دولت مخصوصاً بعد از جنگ عمومی با وضعیت سابق تغییر کلی حاصل کرده و میبایست بوسیله قوانین جزائی این منظور مهم تأمین شود لذا در این قانون حفظ مصالح و استحکام مبانی امور دولت بطور کامل پیش بینی شده است

قبل از این قانون های جزائی همه دنیا تقریباً فردی بود هر کس دزدی بکند یا کسی جنایت بکند هر کس منافیات عفت بکند و از این قبیل امور باید مجازات بشوند ولی کمتر توجه بود به يك اموری که مربوط به مصالح عمومی دولت چه از حیث مال و چه از حیث حفظ حیثیات داخلی و خارجی دولت و اساسهای دولت مخصوصاً دولت بمعنی اعم که قوه مقننه و قضائیه و مجریه جزوش است این قانون اینها را همه را در نظر گرفته زیرا که البته میدانند آقبان که وضعیت دول در دنیا مخصوصاً از سی سال باضطرف جنبه خاصی پیدا کرده است در واقع مثل مسئله قیمومت است همه خصوصیات و اساس دولت باید در درجه اول محکم باشد تا امور جامعه محکم و مستقر شود.

[۴] بقیه شورالایحه ترتیب تقاعد ارتش شاهنشاهی]

رئیس - ماده ۳۶

ماده ۳۶

چنانچه اشخاص مذکوره در طی ماده ۳۵ از معلولین درجه یکم و دوم و دارای وظیفه تقاعدی باشند در تمام مدت تصدی خدمت جدید حق دارند علاوه بر حقوق آن خدمت از يك نلت وظیفه تقاعدی مقرر خود استفاده نمایند.

رئیس - ماده ۳۷

ماده ۳۷

صاحبان حقوق تقاعد یا وظیفه تقاعدی میتوانند در ادارات کنوری بخدمت پذیرفته شوند ولی در تمام مدت تصدی شغل جدید از دریافت حقوق یا وظیفه تقاعدی محروم خواهند بود و مدت خدمت در ادارات کنوری جزء سنین

خدمت نظامی منظور نشده و موجب تجدید نظر در حقوق تقاعد مقرر آنان نخواهد گردید.

رئیس ماده ۳۸

ماده ۳۸

حقوق تقاعد - وظیفه تقاعدی یا موقتی - مستمریات و هر گونه حقی که مطابق این قانون بافسران و افراد و همدیفان و وراث آنها تعلق میگردد از صندوق تقاعد ارتش پرداخت میگردد.

رئیس ماده ۳۹

ماده ۳۹

وجوه ذیل بصندوق تقاعد ارتش تحویل میشود:

الف - کسور تقاعد که شرح ذیل از حقوق کلیه افسران و افراد همدیفان آنها همه ماهه کسر میشود:

۱ - از حقوق افراد قدیمی و سر جوخه ها و کروهبان ها و استواران و افراد جزء تا رتبه سروانی صد پنج حقوق تمام رتبه.

۲ - از حقوق افسران ارشد صد شش و نیم از حقوق تمام رتبه.

۳ - از حقوق امراء صد هشت از حقوق تمام رتبه.

تبصره - بتعداد نفرات وظیفه ماهیانه نفری بیست و پنج دینار از صندوق ارتش بصندوق تقاعد پرداخته میشود.

ب - در موقع ترفیع افسران و همدیفان و افراد تفاوت حقوق ماه اول آنان بدون استثناء بصندوق تقاعد تحویل میگردد.

رئیس - ماده ۴۰

ماده ۴۰

وجوهی که از بابت کسور تقاعد و غیره بصندوق تقاعد پرداخت میگردد بقیه از موارد مصرحه در این

قانون به هیچ عنوان به صاحبان آن ها مسترد نخواهد شد.

رئیس - ماده ۴۱

ماده ۴۱

طرز تقاضای تقاعد - وظیفه مستمری و سایر وجوهی که مطابق این قانون باید پرداخته شود و تهیه مدارك لازمه و همچنین ترتیب رسیدگی باین تقاضاها بر طبق نظامنامه مخصوص خواهد بود.

رئیس - ماده ۴۲

ماده ۴۲

این قانون فقط شامل حال کسانی خواهد بود که بعد از تصویب و اجرای آن حقوق تقاعد - وظیفه - مستمری در حق آنان برقرار و یا سایر وجوهی که مطابق این قانون بایستی بآنان پرداخته شود.

رئیس - ماده ۴۳

ماده ۴۳

اشخاصیکه حقوق تقاعد - وظیفه یا مستمری دریافت میدارند چنانچه تغییری در وضعیت آنها مطابق مقررات این قانون حاصل شود باید مراتب را کما هو حقه راپرت نمایند.

رئیس - رأی گرفته میشود بورد شور دوم آقبایی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵] موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۲۶ بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده.

(مجلس نیمساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری